

## تفسیر پیشگویی قرآن از پیروزی روم بر فارس

\* سید ضیاءالدین علیاناسب

\*\* عزیزه اصغری

### چکیده

یکی از ابعاد اعجاز قرآن، پیشگویی از آینده است. در این میان خبر غیبی غلبه روم بر فارس در سوره روم، از جهات گوناگون نظیر: زمان نزول، شأن نزول، مکان آن، علت شادی مسلمانان مورد اختلاف آراء اندیشمندان است. این تحقیق با طرح مواضع اختلافی و بررسی آنها با بیان ادله متقن و مستدل در صدد رفع اختلافها برآمده، تفسیری صحیح از این آیه ارائه داده است. سوره روم از نظر ترتیب هشتاد و پنجمین سوره و از سوره‌های مکی است. تطبیق تاریخی نیز بازه زمانی بین شکست و پیروزی را هفت سال، طرف درگیر را فارس، زمان شکست را سال هفتم بعثت و پیروزی را در سال‌های پنجم و ششم هجرت، می‌داند. علت شادی مسلمانان نیز به اثبات حقانیت سخن وحی با پیروزی روم و یقین به تحقق وعده، همزمان با آن برمی‌گردد. استناد به قرائت حفص از عاصم از دیگر دلایل اثبات ادعا است و مستندات مدنی بودن سوره، به دلیل ضعف سندی و ... مورد نقد قرار گرفته است.

### واژگان کلیدی

آیات ۶ - ۱ روم، اعجاز قرآن، اخبار غیبی و غلبه روم.

olyanasab\_s@yahoo.com

asghari85@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱/۲۶

\*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

\*\* دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه خواهران. (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۵

## طرح مسئله

قرآن کریم به‌عنوان معجزه‌ای پایا و جهان‌شمول، سند حقانیت و دلیل صحت نبوت و رسالت حضرت محمد ﷺ بوده و دارای جنبه‌های اعجازی فراوانی است. اخبار غیبی قرآن از گذشته، حال و آینده، یکی از جنبه‌های اعجاز و از موضوعات بسیار مهم در مباحث قرآنی است. بخشی از اخبار غیبی که بسیار نیز مورد توجه بوده و در طول تاریخ تلاش‌های فراوانی در جهت رسیدن به آن صورت گرفته، پیشگویی حوادث آینده است؛ در صورتی که تنها مصدر و منبع آگاه به تمام مغیبات گذشته و آینده جهان خداست. بنابراین تنها پیشگویی‌های قرآن از حوادث آینده، معتبر و صحیح بوده و پیشگویی بشری به‌خاطر علم محدود و خطاپذیر، در بیشتر اوقات با شکست مواجه گردیده است.

برخی از پیشگویی‌های قرآن تحقق یافته و حقانیت آن آشکار گردیده که از جمله آنها، پیشگویی و خبر از شکست یا پیروزی رومیان است. متأسفانه مفسران و مورخان درخصوص این حادثه و گروه درگیر با رومیان و گروه غالب و مغلوب، مکان، زمان درگیری، مکی و مدنی بودن و ... دچار اختلاف‌های فراوانی شده‌اند. این در حالی است که برخی از نویسندگان معاصر با تکیه بر شواهد و قراین نادرست، درصدد حل تعارض برآمده و تنها راه‌حل مشکل را مدنی دانستن سوره روم فرض کرده‌اند. حال این سؤال مطرح می‌گردد که دیدگاه صحیح در تفسیر آیات آغازین سوره روم و درباره زمان و مکان درگیری و طرف‌های درگیر کدام است؟

از این روی، نگارندگان کوشیده‌اند با طرح نظرهای مختلف و نقد و بررسی آنها از طریق ارائه دلایل مستند و قطعی، ابهام‌های موجود در یکی از بزرگ‌ترین مواضع اختلافی را - که تا به حال مقاله‌ای درخور در این زمینه تدوین نشده - برطرف کنند.

با بررسی آثار پیشینیان درمی‌یابیم که این مسئله در کتاب‌های دانشمندان اسلامی مورد توجه بوده، ولی کتاب‌هایی مستقل در این زمینه به نگارش درنیامده، بلکه در برخی تفاسیر و کتاب‌های تاریخی به‌صورت گذرا مورد اشاره قرار گرفته است. هیچ مفسری درواقع این مسئله را به‌صورت مستقل و نقادانه بررسی نکرده است.

در این زمینه تفاسیر متعددی ذیل این آیات بحث کرده‌اند؛ از جمله:

- جامع البیان فی تفسیر آی القرآن، ابن جریر طبری، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ ق؛

- مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، ج ۴، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۰۶ ق؛

- الجامع لأحكام القرآن، ابی عبدالله محمد بن احمد الانصاری، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۰ ق.

برخی از کتب تاریخی نیز عبارت است از:

- تاریخ الطبری، ابوجعفر بن جریر الطبری، ج ۲، دار التراث، بیروت، ۱۳۸۷ ق؛  
- البداية و النهاية، اسماعیل بن عمر (ابن کثیر الدمشقی)، ج ۴، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۷ ق؛  
- دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة، ابوبکر احمد بن الحسین البیهقی، ج ۳، بیروت،  
دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ق.  
از کتاب‌های معاصر نیز می‌توان به التمهید فی علوم القرآن اثر محمد هادی معرفت و  
بیش تاریخ قرآن تألیف یعقوب جعفری اشاره کرد. مقاله‌ای نیز با عنوان «پیشگویی‌ها و خبرهای  
غیبی در قرآن» از آقای محمد ابراهیمی ورکیانی در اثبات مدنی بودن سوره روم با استناد به دلایل  
ضعیف به چاپ رسیده است.  
روش تحقیق در این مقاله کتابخانه‌ای بوده که با بهره‌گیری از منابع معتبر و دست اول تاریخی،  
تفسیری و علوم قرآنی در حیطه دو علم تفسیر و تاریخ با رویکرد توصیفی - تحلیلی به تبیین مباحث  
پرداز شده است.

### مفهوم‌شناسی

اقتضای ورود به هر بحثی، آشنایی با الفاظ و اصطلاحات مرتبط است؛ چراکه در صورت کم‌توجهی  
به معانی و مفاهیم دقیق اصطلاحات، تبیین آن مباحث دچار مغالطه می‌شود، نتیجه مورد انتظار  
حاصل نخواهد شد.

### الف) پیشگویی

لغت‌شناسان، «پیشگویی» را چنین معنا کرده‌اند: از پیش گفتن، از قبل سخن آغاز کردن، قبل از  
وقوع از آن خبر دادن، و خبر دادن و آگاهی از قبل. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴ / ۵۹۹۰؛ عمید، ۱۳۸۸: ۲۷۷؛  
انوری، ۱۳۸۶: ۱۵۱۷؛ حسینی دشتی، ۱۳۸۵: ۳۱۱) «پیشگو» نیز کسی است که قبل از وقوع امور از  
آنها خبر دهد. (معین، ۱۳۸۷: ۲۸۱)

بنابراین با توجه به بیان اهل لغت، پیشگویی عبارت است از علم و اطلاع از امری و خبر دادن  
قبل از وقوع آن.

### ب) کهنات

کهنات به معنای پیشگویی کردن است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۳ / ۳۶۳)؛ کاری که باعث می‌شود برخی از

چنینان از فرد اطاعت کنند و آن نزدیک به سحر و یا محدودتر از آن است. (طباطبایی، ۱۴۱۸: ۸ / ۱۶۷) کاهن کسی است که از اخبار گذشته دور با نوعی ظن و گمان خبر می‌دهد، ولی عراف کسی است که با همان ظن و گمان از اخبار آینده سخن می‌گوید. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ماده کهن) درباره این دو کار که اساسش بر گمان است، پیامبر خدا ﷺ فرموده: «کسی که به کاهن و عراف که هر دو پنداریفانی هستند، توجه کند و سخن آنها را تصدیق نماید، به آیات الهی که بر پیامبر نازل شده، کفر ورزیده است.» (ابن حنبل، بی تا: ۲ / ۴۲۹) از همین رو، عمل کهنات به اجماع و اتفاق فقهای امامیه باطل بوده و حرام است. (عاملی، ۱۴۱۰: ۳ / ۲۱۵؛ امام خمینی، ۱۴۱۵: ۴ / ۲۲۷) با توجه به تعریف لغوی کهنات و اینکه در اسلام حرام شمرده شده، می‌توان گفت کهنات با خبر غیبی قرآن که امری یقینی و صادر شده از منبع الهی است، قابل قیاس نمی‌باشد.

### ج) اخبار غیبی (انباء غیبی)

واژه «غیب» و «انباء غیبی» در زبان و ادبیات عرب به‌خصوص در آیات و روایات، از رایج‌ترین تعابیری هستند که در مفهوم پیشگویی به کار می‌روند. در منابع تفسیری و علوم قرآنی، تعاریف متعددی از اخبار غیبی ارائه شده است. محمدهادی معرفت می‌گوید:

اخبار غیبی، آن دسته از خبرها و حوادثی [هستند] که در گذشته، حال و آینده می‌باشند و قرآن از آنها به‌طور صحیح و قطعی خبر داده و به اخبار از حوادث و سرگذشت امت‌های پیشین و پیامبران گذشته استدلال کرده است. (معرفت، ۱۴۲۹: ۲ / ۲۴ - ۲۳)

مقصود از پیشگویی در این پژوهش، همان اخبار غیبی قرآن از آینده است، نه خبر غیبی از حال و گذشته.

### د) قرآن

احمد بن فارس، قرآن را دارای ریشه تک‌معنایی می‌داند که بر گرد آمدن و جمع شدن دلالت می‌کند. (ابن فارس، همان: ۵ / ۷۸) برخی دیگر از لغت‌دانان، قرآن را به‌معنای جمع کردن و ضمیمه کردن بعضی بر بعضی دیگر دانسته‌اند. (ابن منظور، همان: ۱ / ۱۲۹؛ ابن اثیر، بی تا: ۴ / ۳۱؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱ / ۳۳۷؛ فیومی، همان: ۲ / ۵۰۱؛ راغب اصفهانی، همان: ۶۶۸؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۵ / ۲۶۰) واژه قرآن

در اصل مصدر بوده و به کتابی که بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده، اختصاص یافته است. وجه نامگذاری آن به قرآن این است که این کتاب، جامع فواید و آثار تمامی کتب آسمانی و بلکه جامع آثار تمامی علوم است. (رهنما، ۱۳۴۶: ۱ / ۹؛ ابن عاشور، بی تا: ۲۲ / ۲۷۰)

### پیشگویی قرآن از پیروزی روم

از جمله پیشگویی‌های قرآن که به‌طور مسلم به وقوع پیوسته، گزارش قرآن از جنگی است که بین روم و گروه دیگری روی داده است. آیات آغازین سوره روم به این رویداد اشاره دارد. این حادثه به گفته قرآن وعده‌ای تخلف‌ناپذیر شمرده شده است.

در اصل وقوع حادثه و پیشگویی قرآن نسبت به آینده و اینکه مسلمانان از رخداد بعدی مسرور خواهند شد و همچنین در تلقی مسلمانان نسبت به بُعد اعجازی این خبر غیبی، تردیدی وجود نداشته و ندارد. اما در برخی موارد اختلاف‌هایی وجود دارد که عبارت است از:

۱. واژگان مورد بحث در آیه؛
۲. مکی یا مدنی بودن سوره؛
۳. گروه درگیر؛
۴. مکان درگیری؛
۵. زمان درگیری؛
۶. علت شادی مسلمانان؛
۷. اختلاف قرائت‌ها.

در ادامه پس از بیان شأن نزول آیه، تک تک محورهای اختلافی طرح مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### شأن نزول آیه

عُلِّبَتِ الرُّومُ \* فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ \* فِي بَعْضِ سِينِ  
لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلِ وَ مِنْ بَعْدِ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ \* بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَ  
هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ. (روم / ۷ - ۲)

۱. [سپاه] روم در نزدیک‌ترین سرزمین شکست خورد، و[الی] آنان بعد از شکستشان در [طرف] چند سال به‌زودی پیروز خواهند شد. کار[ها] قبل از [آن شکست] و بعد از [این پیروزی] فقط از آن خداست و در آن روز، مؤمنان از یاری الهی [و پیروزی دیگری] شاد می‌شوند. [خدا] هر کس را خواهد [و شایسته بداند]، یاری می‌رساند و او

بیشتر مفسران گفته‌اند هنگامی که پیامبر ﷺ در مکه بود و مؤمنان در اقلیت بودند، جنگی میان ایرانیان و رومیان درگرفت که در این نبرد، ایرانیان پیروز شدند. مشرکان مکه، این رویداد را به فال نیک گرفته، آن را دلیل بر حقانیت شرک خود پنداشتند و گفتند: «ایرانیان مجوسی هستند و مشرک (دوگانه‌پرست)، اما رومیان مسیحی، اهل کتاب و موحدند. بالطبع پیروزی ایرانیان از مصادیق پیروزی شرک بر توحید است. بنابراین همان‌گونه که ایرانیان بر رومیان غلبه کرده‌اند، پیروزی نهایی نیز از آن مشرکان است و با پیروزی ما بر مسلمانان در آینده، طومار اسلام به‌زودی پیچیده خواهد شد.

این‌گونه نتیجه‌گیری‌ها گرچه پایه و اساسی نداشت، در آن محیط برای تبلیغ در میان مردم جاهل و بت‌پرست بی‌تأثیر نبود. این امر بر مسلمانان گران آمد و به این مناسبت آیات فوق نازل شد و قاطعانه خبر داد: «گرچه ایرانیان در این نبرد پیروز شده‌اند، چیزی نمی‌گذرد که از رومیان شکست خواهند خورد.» حتی قرآن حدود زمان این حادثه را بیان داشت که در چند سال آینده به وقوع می‌پیوندد.

این پیشگویی قاطع قرآن، مسلمانان را به‌گونه‌ای دلگرم ساخت که بین بعضی از مسلمانان با مشرکان مکه، شرط‌بندی صورت گرفت. (طبری، ۱۳۸۷: ۲۱ / ۱۶ - ۱۱؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۳ / ۴۲۶ - ۴۲۲، طوسی، بی‌تا: ۸ / ۲۲۸؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ۴ / ۴۶۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۱۶۴ - ۱۶۳؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۸ / ۹۷ - ۹۶)

براساس این شأن نزول که مورد قبول بیشتر مفسران است، سوره روم مکی بوده و پیش از هجرت نازل شده و جنگ بین ایران و روم و پیروزی فارس بر روم نیز قبل از هجرت اتفاق افتاده است.

## محورهای اختلافی آیه

### یک. واژگان

از واژه‌هایی که توجه به‌معنای آن در حل اختلاف‌ها راهگشا خواهد بود، واژه «بضع» است. «بضع» در اصل به‌معنای قطعه‌ای از عدد ده است. (راغب اصفهانی، همان، ۱۲۹) اما معنای آن در بیان اهل لغت، مورد اختلاف است:

۱. برخی گفته‌اند «بِضْع» به‌معنای زمانی حدود سه تا نه سال است، برخی دیگر نیز زمان ۱۰ - ۳، ۹ - ۱، ۶ - ۷ و ۳ را «بِضْع» تلقی کرده‌اند. (طبری، همان: ۲۱ / ۱۶ - ۱۱؛ ابن‌کثیر، همان: ۳ / ۴۲۶ - ۴۲۲؛ طوسی، همان: ۲۲۸؛ طبرسی، همان: ۴ / ۴۶۰؛ طباطبایی: همان، ۱۶ / ۱۶۴ - ۱۶۳؛ فضل‌الله، همان: ۱۸ / ۹۷ - ۹۶)

---

شکست‌ناپذیر [و] مهرورز است. [این] وعده خداست. خدا از وعده‌اش تخلف نمی‌ورزد، ولیکن بیشتر مردم نمی‌دانند؛ [زیرا آنان] ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند، درحالی‌که آنان خود از آخرت غافل‌اند.

۲. منابع لغوی پیشین، «بضع» را بین سه تا ده دانسته‌اند. (طبری، همان: ۲۱ / ۱۶ - ۱۱؛ ابن کثیر، همان: ۳ / ۴۲۶ - ۴۲۲؛ طوسی، همان: ۲۲۸؛ طبرسی، همان: ۴ / ۴۶۰؛ طباطبایی: همان، ۱۶ / ۱۶۴ - ۱۶۳؛ فضل‌الله، همان: ۱۸ / ۹۷ - ۹۶)

همان‌گونه که از ظاهر آیه نیز برمی‌آید، پیش‌بینی قرآن به‌صورت تقریبی است (بضع سنین)؛ چراکه جنگ‌های آن عصر چند سال طول می‌کشید و در طول جنگ و پس از فراز و نشیب‌ها معلوم می‌شد چه کسی شکست خورده است. احتمال دارد علت اصلی اشاره نکردن برخی مفسران (مانند علامه طباطبایی) به زمان دقیق این رویداد، همین مسئله باشد. در هر حال با استناد به کتب تفسیری و تاریخی و بحث‌های مفصلی که در این زمینه انجام گرفته، می‌توان بین اقوال را جمع بست و زمان غلبه روم بر ایران را مقطع زمانی بین سال دوم تا هفتم هجرت دانست.

### دو. مکی یا مدنی بودن سوره

در این باره سه دیدگاه مطرح است:

۱. شأن نزول آیه که مورد پذیرش بیشتر مفسران و مورخان است، نشان می‌دهد که سوره روم مکی بوده و قبل از هجرت نازل شده است. (همان)

برای اینکه بدانیم شکست رومیان از ایرانیان و سپس پیروزی آنها در چه مقطع تاریخی واقع شده، باید به بخشی از تاریخ ایران نگاهی بیفکنیم: در دوران خسرو پرویز، به یک دوره جنگ طولانی میان ایرانیان و رومیان اشاره شده که ۲۴ سال به درازا کشیده است (۶۲۸ - ۶۰۴ م).<sup>۱</sup> در حدود سال ۶۱۶ میلادی دو سردار معروف ایرانی به نام «شهر براز» و «شاهین» به قلمرو روم شرقی حمله کرده، آنها را شکست سختی دادند. دولت روم شرقی تا آستانه انقراض پیش رفت. این حادثه در حدود سال هفتم بعثت پیامبر ﷺ بود.

اما پادشاه روم «هرقل» از سال ۶۲۲ میلادی هجوم خود به ایران را آغاز کرد و شکست‌هایی پی‌درپی بر سپاه خسرو پرویز وارد ساخت. این جنگ‌ها به نفع رومیان تا سال ۶۲۸ میلادی ادامه یافت. سرانجام خسرو پرویز شکست سختی خورد و مردم ایران او را از سلطنت خلع کردند و پسرش «شبرویه» را به‌جای او نشانند. (همان)

از آنجاکه میلاد پیامبر ﷺ در سال ۵۷۱ و بعثت ایشان در سال ۶۱۰ میلادی واقع شد، شکست

۱. کتاب‌های تاریخی نیز فاصله بین شکست روم تا پیروزی بر فارس را از سال ۶۱۷ تا سال ۶۲۷ م. می‌دانند. (ابن اثیر، همان، ۱ / ۲۶۹؛ سن، ۱۳۶۸: ۵۸۴؛ سایکس، ۱۳۸۰: ۱ / ۶۷۳؛ پیرنیا، ۱۳۸۰: ۲۲۵؛ همو، ۱۳۷۵: ۴ / ۲۸۰۸)

رومیان منطبق بر سال هفتم بعثت است و پایان پیروزی رومیان و شکست خسروپرویز نیز بر سال پنجم تا ششم هجرت منطبق می‌شود و می‌دانیم که در سال پنجم جنگ خندق و در سال ششم صلح حدیبیه واقع شد. البته انتقال اخبار جنگ ایران و روم به مناطق حجاز و مکه نیز معمولاً مقداری از زمان را اشغال می‌کرده است. به این ترتیب، تطبیق تاریخی این خبر قرآنی روشن می‌شود.

۲. برخی دیگر براین باورند که نزول سوره، مقارن با جنگ موته بوده است. در نتیجه اینان مدنی بودن سوره روم را می‌پذیرند. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۲۹ - ۲۸؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۰ / ۱۷۴ - ۱۷۱) برخی از نویسندگان معاصر (ابراهیمی، M\_ebrahimi@sbu.ac.ir) نیز به تبعیت از این تفاسیر، با تمسک به برخی ادله، سوره روم را مدنی دانسته‌اند. اینها دو دلیل را مبنی بر مدنی بودن سوره روم اقامه کرده‌اند که در پی می‌آید.

### ۱. روایت امام باقر علیه السلام در کتاب کافی<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام در روایتی به‌صراحت تمام، تاریخ نزول آیات روم را پس از ارسال نامه پیامبر صلی الله علیه و آله به کسری و قیصر دانسته است، بنابراین آیه فوق نمی‌تواند از آیات مکی باشد؛ زیرا به ضرورت تاریخ ارسال نامه از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله مربوط به حوادث سال ششم هجرت به بعد است.

این استدلال به دلایلی از جمله ضعف سندی حدیث با اشکال روبه‌روست؛ چراکه در میان راویان حدیث مذکور فردی به نام «سهل بن زیاد الادمی» وجود دارد که علمای رجال مانند ابن‌غضائری (۱۳۶۴: ۱ / ۶۷)، طوسی (بی‌تا: ۲۲۸) و نجاشی (۱۴۰۷: ۱۸۵) با عبارتهای مختلف او را تضعیف کرده‌اند. اشکال دیگر سند، وجود راوی دیگری به نام «احمد بن محمد» است که درباره مدح یا ذم ایشان سکوت شده است. بنابراین روایت مذکور مهمل بوده و چندان قابل‌استناد نیست. بر فرض صحت سندی در روایت یادشده نیز باید توجه داشت که حجیت خبر واحد در فقه از باب دستور شارع بر تعبد به ظن است؛ درحالی‌که حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن مورد مناقشه مفسران می‌باشد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۷۴ - ۷۲)

بسیاری از مفسران نیز سوره روم را مکی دانسته‌اند؛ مانند طبرسی (همان: ۱۹ / ۹۳)، وهبه الزحیلی (۱۴۰۲: ۶ / ۲۳۵)، ملا فتح‌الله کاشانی (۱۳۳۶: ۷ / ۱۵۸) و محمدهادی معرفت. (۱۳۸۹: ۷۰)

در نتیجه، با توجه به «ضعف سندی روایت، اعراض مفسران مورد اعتماد از محتوای آن و مکی دانستن سوره روم از سوی بیشتر مفسران»، نمی‌توان سوره روم را مدنی دانست.

۱. کلینی، ۸ / ۲۶۹.



## ۲. خطبه ۱۵۶ نهج البلاغه

از جمله شواهد مدنی بودن سوره روم، خطبه ۱۵۶ نهج البلاغه (صبحی صالح، ۱۴۱۴: ۱۵۶ / ۲۲۰) در مورد سوره عنکبوت است. این گفتار به طور صریح گویای آن است که حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه نزول آیات را مربوط به سال‌های بعد از جنگ احد دانسته است.

از آنجا که این سوره از نظر سبک و سیاق با آیات سوره روم هماهنگی دارد، مفسران نیز این دو سوره را از نظر تاریخ نزول نیز هم‌زمان دانسته‌اند. به بیانی دیگر، اگر سوره عنکبوت مدنی باشد، مدنی بودن سوره روم نیز مسلم و یا دست کم محتمل خواهد بود. با این احتمال، بسیاری از شبهات نیز برطرف خواهد شد. (ابراهیمی: همان)

استناد به این دلیل نیز از جهات زیر دارای اشکال است:

۱. در سند این حدیث با عبارت «رفعه» (هادی النجفی، ۱۴۲۳: ۱۲ / ۳۷) به لفظ رفع در سند حدیث مذکور، تصریح شده است. بنابراین حدیث مرفوع است و به علت ذکر نشدن راویان حدیث نیز در ردیف احادیث مرسل به معنای عام قرار می‌گیرد. همچنین در کتاب نهج السعادة (محمودی، بی تا: ۱ / ۳۸۱) سندی برای این خطبه ذکر شده که هیچ یک از راویان آن در کتب رجالی بررسی نشده‌اند. بنابراین این قسمت از خطبه از لحاظ سندی مشکل دارد و قابل استناد نیست.

۲. دانشمندان علوم قرآنی معیارهایی را برای تشخیص سوره‌های مکی از مدنی مطرح کرده‌اند. (سیوطی، ۱۴۲۹: ۱ / ۲۶) بر طبق همین معیارها، آماری که از روایات ترتیب نزول به دست می‌آید، ۸۶ سوره مکی و ۲۸ سوره مدنی است. سوره عنکبوت نیز بعد از سوره روم هشتاد و پنجمین سوره است که در ردیف سور مکی قرار می‌گیرد. (معرفت، ۱۳۸۹: ۷۰)

۳. از سیاق آیات این سوره و به خصوص آیات اول سوره برمی‌آید که بعضی از کسانی که در مکه و قبل از هجرت، به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورده بودند، از ترس فتنه مشرکان از ایمان خود برگشته بودند. بر این اساس، سوره روم در مکه نازل شده و مدنی دانستن همه یا قسمتی از آن صحیح نیست؛ زیرا مضامین آیات آن جز با روزگار عسرت و شدت قبل از هجرت نمی‌سازد. (طباطبایی، همان: ۱۶ / ۱۰۰ - ۹۸)

از آنجا که سوره عنکبوت با سوره روم از حیث سبک و سیاق و پیوستگی معنوی هماهنگ است، دلایل مکی بودن سوره روم قطعی می‌شود. بنابراین این با توجه به ادله مطرح، مکی بودن سوره روم ترجیح دارد.

### سه. طرفین درگیر

سومین محور اختلاف، گروه درگیر با کشور روم است. در این زمینه سه دیدگاه وجود دارد:  
یک. روم - فارس: برطبق نظر مشهور مفسران، دو طرف درگیری روم و ایران است که به پیروزی فارس بر روم و سپس به پیروزی روم بر فارس در مدت زمان کوتاهی منجر شده است. (طبری، همان: ۲۱ / ۱۶ - ۱۱: زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۵ / ۸۵ - ۸۴: ابن کثیر، همان: ۳ / ۴۲۶ - ۴۲۲: طوسی، همان: ۸ / ۲۲۸: طبرسی، همان: ۴ / ۴۶۰: طباطبایی، همان: ۱۶ / ۱۶۴ - ۱۶۳: فضل الله، همان: ۱۸ / ۹۷ - ۹۶)

دو. روم - مسلمانان: طبق این قول، گروه درگیر با روم، مسلمانان هستند. (ابراهیمی، همان)، با توجه به مدنی بودن سوره و ادله‌ای که درمورد اول به آنها اشاره گردید.

سه. روم - فارس، و فارس - مسلمانان: فیض کاشانی در تفسیر صافی، روایتی را از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند و می‌گوید: «شادی مسلمانان پس از چند سال از این واقعه، نه به‌خاطر پیروزی روم بر ایران بوده - که با آن بیگانه بوده‌اند - بلکه به‌خاطر پیروزی مسلمانان بر ایرانیان در آینده‌ای نزدیک بوده است». (فیض کاشانی، همان: ۴ / ۱۲۶)

هرچند در ظاهر قرآن به گروه درگیر با کشور روم هیچ اشاره‌ای نشده، تطبیق تاریخی قضیه بیانگر آن است که تنها کشورهای قدرتمند آن زمان، روم و فارس بوده‌اند و جنگ‌های متعدد و خانمان‌سوزی بین این دو کشور انجام گرفته است. (ابن اثیر، همان: ۱ / ۵۸۴: سایکس، همان: ۱ / ۶۷۳: پیرنیا، همان: ۴ / ۲۸۰۸) همچنین شواهد متعددی نشان می‌دهد مسلمانان قبل از هجرت کمترین توانایی دفاع نداشته‌اند و به تصریح تمامی مورخان و مفسران، آغاز حرکت‌های دفاعی آنان مربوط به سال‌های بعد از هجرت بوده است. (طباطبایی، همان: ۱۴ / ۳۸۵) نظر دقیق طبق سیاق آیات و باتوجه به موارد اختلافی دیگر، مؤید قول مشهور است: طرفین درگیر، ایران و روم بوده‌اند.

### چهار. زمان درگیری

درباره زمان درگیری دو گروه چهار قول مطرح شده است:

یک. طبق نظر مشهور، زمان غلبه روم بر فارس مقارن با جنگ بدر است. (مقربزی، ۱۴۲۰: ۱۲ / ۷۴: ذهبی، ۱۴۱۳: ۱ / ۲۲۷: ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۲ / ۳۸۶: بیهقی، ۱۴۰۵: ۳۳۱: المقربزی، همان: ۴ / ۱۶۹: طبری، ۱۳۸۷: ۲ / ۸۱۰: صالحی، ۱۴۱۴: ۲ / ۴۲۷: ابن جوزی، ۳۸۷ / ۲)

دو. برخی دیگر آن را مقارن با صلح حدیبیه دانسته‌اند. (طبری، همان: ۲ / ۱۸۷: مسعودی، بی‌تا: ۲۲۲:

ابن اثیر، همان: ۱ / ۴۸۰؛ مفید، ۱۳۷۷: ۳۰۸؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۰۷)

سه. در برخی منابع، حادثه قتل نعمان بن منذر به دست خسرو پرویز و درگیری مردم عرب پس از این حادثه در منطقه ذی غار (چهار یا پنج ماه پس از جنگ بدر) را که منجر به اولین پیروزی عرب بر سپاه ایران شد، مقارن با پیروزی مسلمانان در بدر ذکر کرده‌اند. آنان برای اثبات این مدعا روایتی از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده‌اند که فرمود: «اليوم انتصفت العرب من العجم و بي نصروا»<sup>۱</sup>.

بر این اساس آنان چنین پنداشتند که پیروزی مسلمانان بر مشرکان مکه در بدر و شکست یا پیروزی ایرانیان، در یک سال رخ داده است؛ حال آنکه اگر پیروزی روم بر ایران مقارن صلح حدیبیه بوده، دیگر مقارن بودن این پیروزی با جنگ بدر مفهومی نداشته و شادی مردم مسلمان از پیروزی رومیان بر ایرانیان نیز نامفهوم خواهد بود؛ چه اینکه بعد از صلح حدیبیه و یا قبل از آن پیامبر ﷺ با رومیان درگیر شده و تلفات عظیمی در جنگ موته از ناحیه همین رومیان و یا هواداران آنها بر مسلمانان وارد آمده بود. بنابراین پیروزی رومیان نمی‌توانسته موجبات شادی مسلمانان را فراهم آورد. چهار. علامه طباطبایی نیز از حادثه خاصی نام نبرده و به صورت کلی، آن را مقارن با پیروزی دیگری از جانب مسلمانان دانسته است. (طباطبایی، همان: ۱۶ / ۱۵۵)

در نتیجه با توجه به اثبات مکی بودن سوره روم و تطبیق تاریخی حادثه، زمان پیروزی روم بر فارس، سال‌های پنج یا ششم هجرت بوده است.

### پنج. مکان درگیری

در این باره با چهار قول روبه‌رویم:

یک. برخی از مفسران، مکان درگیری را حد فاصل منطقه اذرعاع شام و شهر بصری واقع در سوریه فرض کرده‌اند. (طبرسی، همان: ۸ / ۴۶۲؛ نیشابوری، بی‌تا: ۲ / ۶۱۳؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۳ / ۲۵۸) دو. برخی دیگر آن سرزمین اردن و فلسطین دانسته‌اند. (مقاتل بن سلیمان، بی‌تا: ۳ / ۴۰۶؛ کاشانی، همان: ۷ / ۱۵۸؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۴۰)

سه. برخی از مفسران نیز احتمال داده‌اند که این مکان، نزدیک‌ترین نقطه مرزی ایران و روم بوده که شکست رومیان در آنجا اهمیت بیشتری داشته؛ چرا که اگر کشوری در نقطه مرزی و محل قوت

۱. امروز نخستین روزی است که عرب از عجم داد گرفت و به واسطه من یاری شد. (طبری، همان: ۲ / ۲۰۸؛ مسکویه، ۱۳۷۹: ۲۳۹؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ۱۵ / ۱۸؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۱ / ۳۰۷؛ یعقوبی، بی‌تا: ۲ / ۴۶؛ عسقلانی، ۱۴۱۵: ۲؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۱ / ۲۶۳؛ عبدالبر، ۱۴۱۲: ۴ / ۱۵۷۱)

خود شکست بخورد، به زودی قادر به جبران نخواهد بود. در این صورت پیشگویی پیروزی رومیان اهمیت بیشتری می‌یابد. (طباطبایی، همان: ۳۶۱)

علامه طباطبایی ضمن تفسیر عبارت «غَلِبَتِ الرُّومُ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ» در آیه، دلایلی کافی و مستند در تعیین مکان درگیری برشمرده و گفته است:

کلمه «روم» نام اقوامی از انسان‌هاست که در ساحل مدیترانه در غرب آسیا زندگی می‌کنند. در آن ایام، این اقوام امپراتوری بزرگ و وسیعی تشکیل داده بودند؛ به طوری که دامنه آن تا حدود شامات توسعه یافته بود. در ایام نزول این سوره، جنگی بین این امپراتوری و امپراتوری ایران در سرزمینی میان شام و حجاز درگرفت و روم از ایران شکست خورد. ظاهراً مراد از واژه «أَرْض» سرزمین حجاز و مراد از «أَدْنَى الْأَرْضِ» نزدیکی‌های این سرزمین است، و الف و لام در کلمه «الأرض» الف و لام عهد است. (طباطبایی، همان: ۱۶ / ۱۵۴)

بر این اساس، مکان درگیری سرزمینی میان شام و حجاز است.

### شش. علت شادی مسلمانان

سه دیدگاه در این زمینه مطرح شده است:

یک. طبق نظر مشهور مفسران، خوشحالی مسلمانان به خاطر پیروزی توحید بر شرک بود. (طبری، همان: ۲۱ / ۱۶ - ۱۱؛ ابن کثیر، همان: ۳ / ۴۲۶ - ۴۲۲؛ طوسی، همان: ۸ / ۲۲۸؛ طبرسی، همان: ۴ / ۴۶۰؛ طباطبایی، همان: ۱۶ / ۱۶۴ - ۱۶۳؛ فضل‌الله، همان: ۱۸ / ۹۷ - ۹۶)

دو. ناصر مکارم شیرازی سه جهت را برای خوشحالی مسلمانان بیان کرده است:

۱. پیروزی اهل کتاب بر مجوسیان که صحنه‌ای از غلبه خداپرستی بر شرک بود؛
۲. پیروزی معنوی به خاطر ظهور اعجاز قرآن؛
۳. از پیروزی مقارن آن به احتمال زیاد «صلح حدیبیه» یا یکی از فتوحات مسلمانان بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۶ / ۳۶۴)

سه. علامه طباطبایی در تفسیر آیه «وَيَوْمَئِذٍ يُفْرِحُ الْمُؤْمِنُونَ \* بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» شادی مؤمنان را معلول پیروزی رومیان نمی‌داند، بلکه به خاطر نصرت مقارن با پیروزی و یا به دلیل شکست رومیان از جانب خداوند نسبت به مسلمانان دانسته و می‌گوید: «معنای آیه این است که روزی که روم غلبه می‌کند، هم‌زمان با آن، مؤمنان به خاطر نصرت خدا که وعده دیگر اوست،

خوشحال می‌شوند و با خود می‌گویند خدا دو پیروزی را وعده داده بود: یکی پیشگویی غلبه روم، و دیگری شادی و فرح مؤمنان. اکنون که وعده اول تحقق یافته، وعده دوم که پیروزی مؤمنان است نیز تحقق خواهد یافت.» علامه همه احتمالات دیگر در مورد خوشحالی مؤمنان را مردود می‌شمارد، اما در عین حال او نیز مراد از جمله «وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ» را پیروزی رومیان بر ایرانیان دانسته و حتی احتمال دیگری را در این باب مطرح نساخته است. (طباطبایی، همان: ۱۵۶ و ۱۶۳)

در نقد قول اول می‌توان گفت: ایرانیان همانند مردم مکه مشرک نبوده‌اند، بلکه یزدان‌پرستی شعار همیشگی ایشان بوده است. از همین رو، شخص رسول‌الله با آنان همانند اهل کتاب برخورد می‌کرد؛ چنان که در روایتی فرمود: سُنُوا بِهِمْ سُنَّةَ أَهْلِ الْكِتَابِ؛ با مجوس به طریق اهل کتاب رفتار کنید. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۳۴۹؛ ابن بابویه: ۱۴۱۳: ۱ / ۵۳؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۳۶۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵ / ۱۲۷) قرآن کریم نیز مجوسیان را گروهی در ردیف اهل کتاب و در مقابل مشرکان معرفی نموده است (حج / ۱۷) که این خود، بیگانگی آنان با مشرکان مکه را می‌رساند.

بنابراین قول اول از قوت کافی برخوردار نبوده و ضعف فرض اول در قول دوم نیز از قول اول نشئت می‌گیرد. فرض دوم آیت الله مکارم نیز به این آیه و حوادث مزبور ارتباطی ندارد، اما فرض سوم ایشان، دیدگاه این نوشتار را تأیید می‌نماید.

بنابراین با تمسک به ظاهر آیات قرآن و با در نظر گرفتن سخن علامه طباطبایی می‌توان علت شادی مسلمانان را در دو مورد خلاصه کرد: یکی اینکه روم طبق پیشگویی قرآن غلبه می‌کند و این پیشامد موجب سرفرازی مؤمنان می‌شود؛ تا جایی که می‌توانند پیشگویی قرآن را به رخ کفار بکشند. دوم اینکه تحقق وعده نصرت خدا برای مسلمانان و پیروزی، مقارن با غلبه روم (همزمان با پیروزی جنگ خندق یا صلح حدیبیه) بوده و یا همزمان با پیروزی‌هایی بوده که پیامبر ﷺ فتح آنها را در آینده‌ای نزدیک بشارت می‌داد.<sup>۱</sup>

### هفت. اختلاف قرائت‌ها در واژه‌های «غَلَبَتْ» و «سَيَغْلِبُونَ»

با نظر به قرائت‌ها در کتب تفسیر و علوم قرآنی، سه وجه مشاهده می‌شود:

۱. در این آثار آمده است که پیامبر ﷺ در جنگ خندق، فتح ایران و روم را بشارت داده است: ابن هشام، همان: ۲ / ۲۲۰؛ ابن سید الناس، ۱۴۱۴: ۲ / ۸۸؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ۱۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۱۱۹؛ محمد بن اسحاق، بی‌تا: ۲۳۰؛ ابن کثیر، همان: ۴ / ۹۹؛ ذهبی، همان: ۲ / ۲۸۷؛ واقدی، همان: ۲ / ۴۵۲. برخی کتب تفسیری نیز این مطلب را آورده‌اند: قمی مشهدی، همان: ۱۰ / ۳۳۱؛ جویری، همان: ۴ / ۲۴۵؛ فیض کاشانی، همان: ۴ / ۱۷۱؛ قمی، همان: ۲ / ۱۷۸.

یک. در نظر مشهور و اجماعی، «غَلَبَت» به صورت مجهول و «سَيَغْلِبُونَ» به صورت معلوم قرائت شده که معنای آن چنین خواهد بود: رومیان شکست خوردند، ولی آنها در آینده‌ای نزدیک پیروز خواهند شد. (طبری، همان: ۲۱ / ۱۶ - ۱۱؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۳ / ۴۲۶ - ۴۲۲؛ طوسی، همان: ۸ / ۲۲۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۴۶۰؛ طباطبایی، همان: ۱۶ / ۱۶۴ - ۱۶۳؛ فضل الله، همان: ۱۸ / ۹۷ - ۹۶) دو. در قرائت دوم، «غَلَبَت» به صورت معلوم و «سَيَغْلِبُونَ» به صورت مجهول قرائت شده است. مؤلف کتاب *الاستغاثه* (ابن میثم: بی تا، ۹۲۸۲) این نوع قرائت را به امام علی علیه السلام نسبت داده است. برپایه این قرائت، رومیان گروه پیروز بوده‌اند که درگیری بعدی شکست خواهند خورد. (قمی مشهدی، همان: ۱۰ / ۱۷۲؛ فیض کاشانی، بی تا: ۴ / ۱۲۶)

سه. وجه سوم، قرائت «غَلَبَت» به صورت معلوم و «سَيَغْلِبُونَ» به صورت مجهول است که بر طبق آن، قوم مغلوب در «سَيَغْلِبُونَ» فارسیان‌اند. با این تفاوت که مفعول در «غلبت» را فارسیان، و فاعل در «سَیَغْلِبُونَ» را مسلمانان بدانیم. در این صورت مفهوم آیه به این صورت خواهد بود: رومیان بر فارسیان پیروز شدند، ولی همین فارسیان شکست خورده، در آینده‌ای نزدیک مغلوب مسلمانان خواهند شد. (قمی، مشهدی، همان: ۱۰ / ۱۷۲؛ آلوسی، همان: ۱۱ / ۲۹ - ۲۸)

باید توجه داشت بزرگان فن قرائت برای تشخیص قرائت صحیح و جدا ساختن آن از قرائت ناصحیح، ضوابطی را برشمرده‌اند:

۱. صحت سند قرائت؛
  ۲. سازگاری با رسم الخط مصحف؛
  ۳. سازگاری با قواعد ادبیات عرب.
- هرگاه قرائتی این سه شرط را نداشته باشد، شاذ بوده و از اعتبار ساقط است. یگانه قرائتی که دارای سند صحیح بوده و با پشتوانه جمهور مسلمانان استحکام یافته، قرائت حفص است. این قرائت در طی قرون تا به امروز همواره میان مسلمانان متداول بوده و هست. (معرفت، ۱۳۹۱: ۲۲۴ - ۲۱۳)

حاصل اینکه با توجه به دلایل مذکور، قول اول؛ یعنی قرائتی که «غَلَبَت» را مجهول و «سَیَغْلِبُونَ» را معلوم دانسته، صحیح و مورد پذیرش است.

## نتیجه

۱. پیشگویی غلبه روم بر فارس یکی دیگر از اخبار قطعی قرآن از آینده بوده که به طور حتم واقع شده است.

تفسیر پیشگویی قرآن از پیروزی روم بر فارس □ ۸۱

۲. بر طبق قول مشهور و بنا بر تصریح مفسران و دانشمندان علوم قرآنی و برپایه معیارهای مکی و مدنی بودن سوره‌ها و همچنین براساس ترتیب نزول، سوره روم هشتاد و پنجمین سوره نازل شده قبل از هجرت بوده و جزو سوره‌های مکی است.
۳. براساس تطبیق تاریخی حادثه، طرف درگیر، کشور فارس بوده و همچنین شکست روم قبل از هجرت در سال هفتم بعثت، و پیروزی آن نیز حدود سال‌های پنجم و ششم هجرت و مقارن با پیروزی‌های مسلمانان در جنگ خندق یا صلح حدیبیه (یا هم‌زمان با پیروزی‌های دیگر) بوده است.
۴. طبق ظاهر آیات، اثبات حقانیت سخن وحی در وعده پیروزی قریب‌الوقوع روم و یقین به تحقق وعده‌های خداوند در پیروزی‌های مسلمانان، از علل شادی آنها بوده است.
۵. تنها قرائت معتبر که در طول تاریخ مورد پذیرش و عمل مسلمانان بوده و تطبیق قرائت صحیح با آن، از دیگر مواردی است که بررسی شده و همه در راستای ارائه تفسیر صحیح و به دور از اختلاف‌های موجود، مطرح شده است.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- نهج‌البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی.
- آلوسی، شهاب‌الدین سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ ۳.
- ابراهیمی ورکیانی، محمد، «پیشگویی‌ها و خبرهای غیبی در قرآن»، نقل شده در: [miracleofquran.org/index.aspx?pid=99&articleid=2183](http://miracleofquran.org/index.aspx?pid=99&articleid=2183)
- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله، ۱۳۷۸، شرح نهج‌البلاغه، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه.
- ابن اثیر، علی بن محمد، ۱۳۸۵، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۰۹ ق، اسد الغابه، بیروت، دار الفکر.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۴، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، قم، اسماعیلیان.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، ۱۴۱۲ ق، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن حنبل، احمد، بی‌تا، مسند، بیروت، دار صادر.

- ابن سید الناس، ابوالفتح محمد، ۱۴۱۴ ق، *عیون الأثر فی فنون المغازی و الشمانل و السیر*، تحقیق ابراهیم محمد رمضان، بیروت، دار العلم.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹، *مناقب آل ابی طالب*، قم، علامه.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ ق، *معجم مقاییس اللغة*، محقق عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۰۷ ق، *البداية و النهایه*، بیروت، دار الفکر.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق محمدحسین شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن مسکویه، احمد بن علی، ۱۳۷۹، *تجارب الأمم*، تهران، سروش، چ ۲.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، قاهره، المكتبة التوفیقیه.
- ابن هشام، عبدالملک الحمیری، بی تا، *سیرة النبویه*، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الایاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دار المعرفة.
- اقبال آشتیانی، عباس و حسن پیرنیا، ۱۳۸۰، *تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه*، تهران، خیام، چ ۹.
- امام خمینی، سید روح الله، ۱۴۱۵ ق، *مکاسب المحرمه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- انوری، حسن، ۱۳۸۶، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران، سخن، چ ۵.
- بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ ق، *فقیه من لایحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲.
- بروسی، اسماعیل، بی تا، *روح البیان*، بیروت، دار الفکر.
- بصری، محمد بن سعد و محمد عبدالقادر عطا، ۱۴۱۰ ق، *الطبقات الکبری*، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ ۲.
- بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۴۱۷ ق، *انساب الأشراف*، بیروت، دار الفکر.
- بی آزار شیرازی، عبدالکریم، ۱۳۸۰، *باستان شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۳.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، ۱۴۰۵ ق، *دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة*، تحقیق عبدالمعطی قلجی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- پیرنیا، حسن، ۱۳۷۵، *تاریخ ایران باستان*، تهران، دنیای کتاب.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۸ ق، *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- \_\_\_\_\_، بی تا، *تفسیر الثعالبی*، لبنان، دار احیاء التراث العربی.



- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۱۰ ق، *الصحاح*، بیروت، دار العلم للملایین.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- حسینی خاتون آبادی، عبدالحسین، ۱۳۵۲، *وقایع سنین و الأعوام*، محقق محمدباقر بهبودی، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
- حسینی شیرازی، سید محمد، ۱۴۲۳، *تبیین القرآن*، بیروت، دارالعلوم، ج ۲.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان، ج ۴.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغت نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، ۱۴۱۳ ق، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، بیروت، دار الکتاب العربی، ج ۲.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دار العلم.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۱، *اعجاز علمی قرآن*، رشت، کتاب مبین، ج ۳.
- رهنما، زین العابدین، ۱۳۴۶، *تفسیر رهنما*، تهران، کیهان.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *تفسیر الکشاف*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ج ۳.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۱۷ ق، *الفائق فی غریب الحدیث*، محقق ابراهیم شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- \_\_\_\_\_، ۱۹۷۹ م، *اساس البلاغه*، بیروت، دار صادر.
- سخاوی، محمد بن عبدالرحمن، بی تا، *الاعلان بالتویخ لمن ذم اهل التاریخ*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۲۹ ق، *الاتقان فی علوم القرآن*، قم، ذوی القربی، ج ۲.
- صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ ق، *المحیط فی اللغة*، بیروت، عالم الکتاب.
- صالحی، محمد بن یوسف، ۱۴۱۴ ق، *سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد*، بیروت، دار الکتاب.
- طباطبایی، سید علی بن محمد، ۱۴۱۸ ق، *ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل*، ج ۸، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۵.

- ۸۴ □ فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، سال ۶، تابستان ۹۴، ش ۲۲
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو، ج ۳.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۷، تفسیر جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۱۷ ق، اعلام الوری بأعلام الهدی، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷، تاریخ الطبری، بیروت، روائع التراث العربی، ج ۲.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ج ۳.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ ق، الأملی، قم، دار الثقافة.
- \_\_\_\_\_، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- \_\_\_\_\_، بی تا، الفهرست، نجف الأشرف، المكتبة المرتضویه.
- عاملی، زین الدین، ۱۴۱۰ ق، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، کتابفروشی داوری.
- عبدالبر، یوسف بن عبدالله بن محمد، ۱۴۱۲ ق، الاستیعاب، بیروت، دار الجلیل.
- عسقلانی، احمد بن علی، ۱۴۱۵ ق، الإصابه فی تمييز الصحابه، تحقیق عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دار الکتب.
- عمید، حسن، ۱۳۸۸، فرهنگ فارسی عمید، تهران، فرهنگ نما.
- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰، کتاب التفسیر، تهران، المطبعة العلمیه.
- غضائری، احمد بن حسین، ۱۳۶۴ ق، رجال بن الغضائری، قم، اسماعیلیان.
- فضل الله، محمدحسین، ۱۴۱۹ ق، من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک، ج ۲.
- فیض کاشانی، ملامحسن، بی تا، تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، تهران، صدر، ج ۲.
- فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، دار الهجره، ج ۲.
- قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۷، أحسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ج ۳.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۱۲ ق، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۶.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۸ ق، کنزالدقائق و بحر الغرائب، تحقیق حسین درگاهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، تفسیر قمی، تحقیق سید قطب موسوی، قم، دار الکتب، ج ۴.
- کاشانی، فتح الله، ۱۳۳۶، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی.
- کریستین سن، آرتور، ۱۳۶۸، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب، ج ۶.

- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۴.
- کوفی، ابی القاسم علی بن احمد، بی تا، الاستغاثة فی بدع الثلاثه، نجف، بی تا.
- مجهول، ۱۳۷۵، نهاية الأرب فی اخبار الفرس و العرب، محقق محمد تقی دانش پیژوه، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مجهول، ۱۳۹۱، اخبار الدولة العباسیه، الدورى، عبدالعزيز و المطلبی، عبد الجبار، بیروت، دار الطلیعه.
- محمودی، محمد باقر، بی تا، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، ۱۴۰۹ ق، مروج الذهب و معادن الجواهر، قم، دار الهجرة، ج ۲.
- \_\_\_\_\_، بی تا، التنبيه و الاشراف، القاهرة، دار الصاوی.
- معرفت، محمد هادی، ۱۳۸۹، علوم قرآنی، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید، ج ۱۴.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۲۹ ق، تلخیص التمهید، ج ۲، قم، مؤسسه التمهید.
- معین، محمد، ۱۳۸۷، فرهنگ فارسی معین، تهران، فرهنگ نما.
- مفید، محمد بن محمد، ۱۳۷۷، دفاع از تشیع، ترجمه الفصول المختاره للمفید، ترجمه آقا جمال خوانساری و محمد بن محمد حسین، قم، مؤمنین.
- مقاتل بن سلیمان، بی تا، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار احیاء التراث.
- مقریزی، احمد بن علی، ۱۴۲۰ ق، امتاع الأسماع، تحقیق محمد عبد الحمید النمیسی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، پیام قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۶.
- نجاشی، احمد بن علی، ۱۴۰۷ ق، رجال النجاشی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- نجفی، هادی، ۱۴۲۳ ق، موسوعة أحادیث اهل البيت (علیهم السلام)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- هاشمی خویی، حبیب الله، ۱۴۰۰ ق، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، تهران، مکتبه الاسلام، ج ۴.
- واقدی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ ق، المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- یعقوبی، احمد بن یعقوب بن جعفر، بی تا، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر.

- aspx?pid=99&articleid=2183.



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز  
پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز